۱۱ آذرماه ۱۳۵۲

دومین جشنواره بین المللی فیلم تهران



PROJECTION PRIVEE

حدیث نفس

فیلمهای روز

تالار رودکی (ساعت ۱٦)

فیلم طویل - فرانسه (مسابقه)

حدیث نفس

کارگردان : فرانسوا لستری‌یه
مدیرفیلمبرداری : ژان بادال
آهنگساز متن : سرژ گینزبرگ
هنرپیشگان : فرانسواز فابیان ، ژان - لوك بیدو ، جین برکین ، پول اوژیه ،
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۹۵ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

یك سناریست وکارگردان سینما ضمن تألیف وجرح‌وتعدیل دریك‌فیلمنامه وفیلمبرداری‌ازآن‌که ازسرگذشت‌خودش اقتباس‌کرده است ، به حقیقت ماجرائی که برخود او گذشته است ، پی می‌برد .



تالار رودکی (ساعت ۱٦)

فیلم‌کوتاه - جمهوری آلمان فدرال (مسابقه)

او . . . اتو

کارگردان : فرانك تینتر
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۱۱ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۲

تالار رودکی (ساعت ۱۹)

فیلم‌کوتاه - یوگسلاوی (مسابقه)

کلکسیونر

کارگردان : میلان بلاژکوویچ
مدیرفیلمبرداری : زلاتکو سوسر
آهنگساز متن : آندژلکو کلوبوکار
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۲ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

سینما دیاموند (ساعت ۱۵ - ۳۰/۲۱)

فیلم‌کوتاه - ونزوئلا (اطلاعات)

سوتو یا اراده

کارگردان : آلفرد براندلر
مدیرفیلمبرداری : رائول دلگادو ، آبیگیل روباس ، بور دلون .
آهنگساز متن : میگوئل آنجل فاستر
هنرپیشگان : یزوس سوتو ، مارسل مارسو
۳۵ میلیمتری - رنگی - ۳۰ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳



تالار رودکی (ساعت ۱۹)

فیلم طویل – انگلستان (مسابقه)

خوشبین‌ها

کارگردان : آنتونی سیمونز
مدیرفیلمبرداری : لاری پیزر
بازیگران : پیتر سلرز ، دونا مولین ، جان چفی
۳۵ میلیمتری – رنگی – ۱۱۰½ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

سم (پیترسلرز) مرد مضحك وغمگین تنهایی است . ازروزگاری‌که او هنرمند محبوبی درسالن‌های‌کنسرت بود ، بسیار گذشته‌است . اوحالا نوازنده‌ی دوره‌گرد ژنده‌پوشی‌است باکالسکه‌ای ، گرامافونی وسگی‌بنام « بلا » . او ازراه‌آوازخوانی ورقصیدن درپیاده روهای‌لندن به سختی روزگار میگذراند و با قوطی حلبی‌ای که بگردن « بلا » بسته است چند سکه‌ای بدست میاورد .

شبها خودش‌را به پیکادلی میرساند وجلوی مدخل سینماها و تئاترها با نمایش‌های کوچك چند سکه‌ای دیگر فراهم میاورد. وقتی‌که چراغ‌ها خاموش میشوند او به‌کلبه خرابه‌ی خود درکنار رودخانه برمیگردد. خانه‌ی یك اطاقه عجیب وغریبش ، پر است از روزنامه‌ها و آت و آشغال‌هـای گریم و لباسهای بازیگری‌گذشته‌اش .

« لیز » یازده ساله و برادرش « مارك » شش ساله دوکودك شاداب از آپارتمان‌های کارگری وکهنه‌ی ساحل جنوبی رودخانه هستند . آنها با « سم » برخورد پیدا میکنند وشکل وقیافه‌ی « سم » نظر آنها را بخود جلب میکند . درابتدا بدنبالش راه میافتند . اورا اذیت میکنند . تقلیدش را درمیاورند و باو می‌خندند . اما رفته رفته دراحوال مرد کوچك غمگین غرق میشوند وازطریق او از زندگیشان‌ازبی‌حادثه‌گی‌خارج‌میشود.

بچه‌ها « بلا » سگ پیر تربیت شده « سم » را دوست دارند . آنها هم تصمیم میگیرند سگی داشته باشند و « سم » را ترغیب میکنند که‌آنهارا به‌محل‌نگهداری وفروش سگهای بی‌صاحب بنام «باترسی» ببرد . بهرترتیب پولی فراهم میاورند و با کمك مالی « سم » سگی میخرند ونام سگ را «باترسی» میگذارند .

بچه‌ها درراه بازگشت به‌خانه بشدت به هیجان آمده‌اند . اما خوشحالی آنها بسیار زودگذر است . وضعیت نابهنجار زندگی آنها درآپارتمان دو اطاقه شان ، بامادری‌گرفتارفرزند شیرخواره وپدری که هفت روز درهفته‌کار میکند تا چرخ زندگی را بگرداند ، تحمل پذیرایی از «باترسی» تازه وارد را ندارد . خشمگین وبه‌تنگ آمده ، بچه‌ها خانه را ترك میکنند وتصمیم میگیرندکه با سگشان به پیش « سم » بروند . وقتی به کلبه خرابه‌ی « سم » میرسند ، درمی‌یابندکه « بلا » سگ پیر ومحبوب « سم » مرده و « سم » نیز ازاندوه درهم شکسته‌است. دربك‌آن بچه‌ها درمی‌یابندکه«سم» قهرمان معبود بی‌رقیبشان‌کسی جز یك آدم بی‌کس وغمزده نیست . آنها تصمیم میگیرند تا لااقل یکی‌از رؤیاهای «سم» به واقعیت به پیوندد .

آن دو نیمه شب جسد « بلا » را می‌برند و دور ازچشم نگهبانان اورا در قبرستان سلطنتی سگها بخاك می‌سپارند . « بلا » همچنانکه « سم » بخود قول‌داده بود بشکلی‌آبرومند واشرافی‌بخاك سپرده میشود .

اما « سم » چه میشود ؟ پیرمرد غمزده‌ی بی‌آزار ما براندوه خود فائق میآید واینك همدم تازه‌ای یافته است : «باترسی» . شاید اینك درزندگی تازه‌ی « سم » امید ومیل جدیدی باشدکه « لیز » و « مارك » در او دمیده‌اند .



سینما دیاموند (ساعت ۱۱ و ۱۸/۳۰)

فیلم بلند – سوئد (اطلاعات)

سرزمین جدید

کارگردان : یان تروئل
مدیرفیلمبرداری : یان تروئل
آهنگساز متن : بنت ارن‌رید
هنرپیشگان : ماکس فون‌سیدو ، لیو اولمان ، ادی آکس‌برگ
۳۵ میلیمتری – رنگی – ۱۰۵ دقیقه
سال تهیه : ۳-۱۹۷۲

« سرزمین جدید » دومین قسمت ازفیلم‌های سه‌گانه‌ای است که « یان تروئل » ساختن آنرا آغازکرده وچهارشنبه پیش – «مهاجران» – اولین قسمت آن را دیدیم .

دراین فیلم تکامل وگسترش آمریکای جوان وانعکاس حوادث تاریخی آن – جنگ‌های‌طولانی‌مرزنشینان باسرخ‌پوست‌ها وجنگ‌های داخلی– وسختی‌ها ومحرومیتهای زندگی در سرحدات جدید در چهارچوب سرنوشت یك خانواده مهاجر سوئدی بازگو شده است‌که مانند بسیاری از خانواده‌های دیگر نقش با ارزشی دربوجودآوردن کشور آمریکا داشته‌اند .

کارل‌اوسکار (ماکس‌فون‌سیدو) وهمسرش‌کریستینا (لیو اولمان) وخانواده‌شان از جمله رابرت زاندی آکسبرگ) برادر جوانتر کارل در ۱۸۵۲ زندگی جدیدی در مینه‌سوتا آغاز می‌کنند .

درحالیکه خانواده کارل با مشکلات یادگرفتن زبان جدید ، ساختن مسکن ، روبروبودن با خطرحمله سرخ‌پوست‌ها ، خریدن یك‌گاو واختلافات مذهبی دست‌بگریبان است ، برادرجوانتر همراه یك‌دوست درجستجوی ثروت به‌کالیفرنیای زرخیز می‌رود .

پس‌از مدتی رابرت علیل وفریب‌خورده تنها برمی‌گردد و می‌میرد . در شرایط جدید زندگی ، حتی تولد بچه که طبیعی‌ترین ومهمترین وظیفه انسان است ، برای کریستینا سرشار از خطر است . ولی خانواده مهاجر تمام خطرات را پشت سر می‌گذارد وبصورت بخشی از قلب آمریکا درمی‌آید .

ماکس‌فون سیدو بازیگر نقش اول بسیاری از فیلمهای اینگماربرگمن ، درباره کارل اوسکار ، شخصیتی‌که ایفای نقش اورا درفیلمهای «مهاجران» و «سرزمین جدید» بعهده دارد می‌گوید : «او مردی است با رؤیاهای خوش‌بینانه که برای تحقق‌بخشیدن به رؤیاهایش با سرسختی تلاش می‌کند» .

اولمان بخاطر بازی در فیلم «مهاجران» نامزد دریافت جایزه اسکارشد وازآن زمان تاکنون درفیلم‌های «افق‌گمشده» ، «چهل قیراط» ، «عروس زاندی» و «استعفاء» بازی کرده است .

پس از بازی درخشانش در «مهاجران» و « سرزمین جدید» ، لیو اولمان در هالیوود به شهرت و محبوبیتی نظیر آنچه زمانی دوستاره دیگر سوئدی گرتاگاربو واینگرید برگمن ازآن برخوردار بودند ، دست یافت .

نگاهی به سینمای دوکشور آفریقائی

سنگال و تونس

ترجمه : جمشید اکرمی

* سنگال

هیچ تشکیلات اساسی بخصوصی درسنگال به‌کار تولید فیلم نمی‌پردازد . تمامی‌کارهای لابراتواری فیلم درخارج ازاین‌کشور انجام می‌گیرد – غالباً درپاریس و با مساعدت ادارهٔ «لاکواوپراسیون» ، بخشی ازوزارت امورخارجه فرانسه‌که دست درکار اعطای یاریهای مالی وفنی به فیلمسازان آندسته ازکشورهای آفریقائی دارد‌که سابقاً تحت استعمار فرانسه بوده‌اند .

سنگال بیشترین تعداد سینماها را درآفریقای شمالی دارد (تقریباً هفتاد سینما)، مع‌الوصف موقعیت وشرایط فیلمسازی‌برای سینماگرسنگالی درحدی مطلوب وایده‌آل نیست . توزیع فیلم درسنگال ، همچون غالب‌کشورهای آفریقائی فرانسوی‌زبان ، تحت نظارت وکنترل دوکمپانی فرانسوی Comacico , Secma است .

«عثمان ثمبن» فیلمساز برجستهٔ سنگالی‌که اینك یکی ازپیشقراولان نهضت سینمای نوین آفریقا به شمار می‌آید ، درسومین دورهٔ فستیوال فیلم «پان‌آفریکن» که درسال ۱۹۷۲ در «اواگادوگو»ی **ولتای‌علیا** برپا شد، طی نطقی به موقعیت طوفانی سینمای امروز آفریقا اشاره کرد . وی‌گفت : « **زمانی‌که ما مجبور بودیم تنها به تهیهٔ فیلم – به هرقیمتی – بیندیشیم ، اینك دیگر سرآمده است** » .

ثمبن دراین نطق تلویحاً دوکمپانی انحصارگـر فرانسوی را آماج اعتنای خود داشت ، چراکه به جز الجزیره وگینه‌که صنایع فیلم وبخش خدماتی توزیع فیلم خودرا ملی‌کرده‌اند ، همهٔ‌کشورهای آفریقائی در شرایطی نظیرآنکه صنعت فیلم سنگال تحت سلطه‌اش قرار دارد ، به سر می‌برند .

ثمبن طی‌بیانیهٔ شورانگیزوانقلابی‌خود ، فیلمسازان آفریقائی را به اعمال‌کوششهائی دوگانـه فراخواند : نخست دست یازیدن به جنگی خصمانه علیه کولونیالیسم انحصارجویانهٔ سیستمهای توزیع فیلم ، وسپس‌بسط واشاعهٔ یك فرهنگ جمعی آگاهانهٔ آفریقائی . این تنها به لطف فشار فیلمسازان آفریقائی بوده است کـه کمپانی‌های انحصارگر خارجی ، سرانجام ناگزیر ازتوزیع جهانی پاره‌ئی خاص ازفیلمهای آفریقائی شده‌اند . ثمبن درواقع به درستی پی برده است‌که : « **امتیازاتی‌که آنان به ما داده‌اند تنها بخاطر حفظ و ادامهٔ بقای سیستم خودشان بوده است . اینجا دومین پایگاه نبرد ماست . نباید به‌هیچ قیمتی تسلیم انشعاب و دودستگی شویم** » .

* * *

نخستین فیلم سنگالی‌که نیز نخستین فیلم « تمام آفریقائـی » به حساب می‌آید ، درسال ۱۹۵۵ به دست « **پالین ویرا** » ساخته شده است . « ویرا » یك نویسنده نیز هست وبسیاری فیلم‌کوتاه نیز فیلمبرداری‌کرده‌است: نخست برای‌کمپانی خودش ودر وهلهٔ بعد به سفارش وزارت اطلاعات سنگال . برخی ازاین فیلمها درواقع گزارشهای خبری‌مربوط به مسافرتهای«پرزیدنت سنگور» هستند وبقیه درخدمت بازتاباندن فرهنگ و ورزش‌های سنگالی عمل می‌کنند . وی همچنین فانتزیهای‌کوتاهی هم براساس قصه‌های آفریقائی ساخته است .



عثمان ثمبن

عثمان ثمبن ، سینمارا درمسکو خوانده‌است وبه سال ۱۹۶۳ کاریر سینمائیش را بـا ساختن فیلم کـوتاه Borom Sarret که به بررسی تفاوتهای طبقاتی در آفریقای سیاه می‌پرداخت ، آغازکرد . این تم محبوبی بودکه وی به سال ۱۹۶۸ نیز با اولین‌فیلم رنگی‌آفریقائی موسوم به «حواله پستی» نوری دوباره برآن افکند .

فیلم‌کوتاه Niaye که ثمبن آنرا درسال ۱۹٦٤ ساخت ، به انعکاس تلخی و دوروئی و تعصب حاکم بریك زندگی سنتی روستائی در دوران استعمارآفریقا پرداخت . پس ازاین فیلم یکساعته « سیاهی از . . . . » را ساخت که بازهم کاوشگر یکی ازتمهای مسلسل سینمای آفریقا بود : شیفتگی « سیاه » در رویاروئی با فرهنگ وتمدن « سفید » . شیفتگی‌کور وگنگی‌که تنها راه به نابودی وویرانگری می‌برد .

* * *

«امیتائی» (خدای رعد) آخرین فیلمی است‌که ثمبن تهیه وکارگردانی‌کرده است . این فیلم‌کوبنده و مؤثر بازگویندهٔ ماجرای‌کشتار فجیع اهالی یك قبیله سیاه است درخلال جنگ جهانی دوم .

مردم این قبیله ، سنتهاشان را به عنوان واکنشی مؤثر علیه سلطهٔ استعماری اروپائیان پاس می‌دارند .

اروپا درجنگ است ونیاز به پول هرچه بیشتر دارد که می‌تواند ازطریق افزایش مالیاتها به دست آید . ولی یك زن شجاع ، بومیان را به مبارزه علیه این اجحاف تحمل‌ناپذیر برمی‌انگیزاند ، و این مقدمه‌ایست برای بیداری روحیه بخش آگاهی‌های ملی وقومی .

درفصلی از «امیتائی» زمانیکه زنان‌قبیله ازاجرای «اوامر» امتناع می‌ورزند ، مردانشان به زندان افکنده می‌شوند . زندانبانان آنها سربازان سیاهپوست هستند ،

و «ثمبن» ازطریق این تمهید، اشاره به‌کولونیالیسمی دارد که چهره به «نئوکولونیالیسم» دگرگون می‌سازد – «سیاه» علیه «سیاه» می‌جنگد. این جنگ برادران است.

فصل اختتامیهٔ فیلم، اشعار ووقوف بومیان را به‌این واقعیت منعکس می‌سازد که عمل مقاومت آنها اساساً عملی انقلابی بوده است.

* * *

«مومرتیام» تابحال شش فیلم کوتاه ۱۶ میلیمتری ویك فیلم بلند فرانسوی‌زبان به اسم «کریم» ساخته است. وی درکوششی برای فائق‌آمدن بردشواریهای توزیع، فیلمهایش را با خود درسراسر نواحی کشورش گرداند ونمایش داد. فیلمهای وی عموماً براساس افسانه‌های آفریقائی هستند که غالباً به بررسی تضادهای بین سنتهای آفریقائی وفرهنگ اروپائی می‌پردازند.

«ماهاما جانسون تمرائوره» درسال ۱۹۶۸ فیلم یکساعتهٔ «دخترجوان» وپس ازآن به سال ۱۹۷۰ دنباله‌ئی به اسم «زن» برای آن ساخت. این هردو به بازنمائی فشارها وتحمیلهائی که دریك جامعهٔ آفریقائی برزنان اعمال می‌شود، می‌پردازند. لاکن هردو نیز سخت تصنعی به نظر می‌رسند وازنظر ساختمان داستانی سست ولرزان وبی‌قوام می‌نمایند.

«ابابکر سمب» که درسال ۱۹۶۵ با فیلم‌کوتاه «ودیگر برف نبود» به نام رسید، سال‌گذشته فیلم بلند ۱۶ میلیمتری Codou راکارگردانی‌کرد. داستان‌فیلم دربارهٔ زنی است که مقابله‌اش با تضادهای بین سنتهای آفریقائی وزندگی جدید اروپائی، وی را به مرز جنون می‌کشاند. وپرسش نهائی فیلم دراین موردکه آیا وی شفا خواهد یافت، بی‌پاسخ می‌ماند. Codou گرچه داستانی رئالیستی دارد، اما درهمان حال می‌تواند تمثیلی برای آفریقائی‌که هنوز جستجوگر هویت فرهنگی خویش است، قلمداد شود.

تاآنجاکه به پروژه‌های آتی مربوط می‌شود، **عثمان ثمبن**، پیردیر سینمای جوان سنگال، امیدوار است که فیلمی پنجساعته دربارهٔ «ساموری» مبارز ضداستعمار سنگالی بسازد.

* تونس

تونس نه فقط بهترین سیستم تولید فیلم را درجمع کشورهای عرب دارد، بلکه یکی ازکشورهای معدود آفریقائی است که استودیوها ولابراتوارهائی ازآن خود دارد.

درسال ۱۹۶۷ – یازده سال پس ازاستقلال – نخستین فیلم تونسی تحت عنوان «الفجر» (طلوع) ساخته شد. کارگردان این‌فیلم «عمر خلیفی» بود وداستانش به‌جنگ استقلال این کشور می‌پرداخت. «الفجر» به استعانت سرمایه «سازمان دولتی توسعهٔ سینما» (Satpec) ساخته شد. درمورد این‌کشور می‌توان‌گفت‌که بعد از الجزیره وگینه، بیشترین موفقیت را درمحدود ساختن امکانات سرمایه‌گذاری خارجی ودرنتیجه‌کاهش سلطهٔ اقتصادی خارجی بربازار فیلم این‌کشور داشته است. اما وضع‌کلی، بهرحال، هنوز زاینده دشواریهای مهمی است. حتی‌کمپانیهای توزیع فیلم تونسی هم هنـوز محصولات خارجـی را به ساخته‌های خانگی ترجیح می‌دهند.

درحال حاضر، دوگرایش عمده درسینمای تونس به‌چشم می‌رسد: نخست نوعی سینمای عامه پسندکـه نمونه‌های شاخص آن سه فیلمی است‌که تا این زمان توسط «عمرخلیفی» برپایه‌هائی استقلال‌آمیز تهیه شده است. این هرسه ازنظر استیل به‌کلاسیکهای حادثه‌ئی آمریکائی می‌مانند: **الفجر** (طلوع – ۱۹۶۷)، **المتمرد** (یاغی – ۱۹۶۸)، و **یاغیان** (۱۹۷۰)، ونیز فیلمی از «علی عبدالوهاب» موسوم به «مادرعباس» که ازنظر سبك، بیشتر یادآور فیلمهای بومی مصری است.

گرایش دوم، گونه‌ئی سینمای روشنفکرانه است که به دستهای سینماگران جوان وآرمانخواه این‌کشور بنا شده‌است: **صادق‌بن عیشا، فرید بوقدیر وعبداللطیف بن عمر**. این‌هرسه درفیلمهاشان داستانهائی‌را بازمی‌گویند که دانش وهوشمندی آنها را آشکار می‌سازد، ونیز تلخی روند مستمر «نئوکولونیالیسم» را. آنان سپس به فخرآمیزکردن واعتباربخشیدن به نحوهٔ سنتی زندگی تونسی می‌پردازند وازگذشته‌ها با دلتنگی وافتخار یاد می‌کنند. این فیلمسازان، سرگردان بین دوقطب، بهرحال درجستجوی یافتن چاره‌هائی برای مشکلات جامعهٔ امروز تونس هستند.











بالا: کریم – عکس دوم صحنه‌ای ازفیلم «کودو» سوم: باباکارثامب – عکس چهارم. پولن وی‌یرا صحنه‌ای ازفیلم امیتائی

سینمای جمهوری فدرال آلمان

بمناسبت نمایش «او . . اتو»

درسال ۱۹۷۱ ، آلمان غربی تنها با یك فیلم کاملاً بی‌ارزش باسم "Apokal" درفستیوال کان شرکت‌داشت. این‌فیلم نه‌تنها بزودی‌فراموش شد ، بلکه حتی درآلمان نیز به‌نمایش درنیامد . درسال ۱۹۷۲ ، آلمان غربی با فیلم‌های «**تروتا**» از «**شاف**» و «**مصیبت**» از «**فلایشمن**» درمسابقه رسمی فستیوال کان شرکت کرد . اما در سال بعد ، این‌کشور در قسمت مسابقه فستیوال اصلاً فیلمی نداشت. (این‌ها همه نماینده بحرانی است که همواره سینمای آلمان غربی را تحلیل برده است ولی بحران‌اقتصادی سینمای‌آن‌کم‌اهمیت‌تر از ضعف هنری آن نیست) .

از نظر حجم تولید آلمان غربی هنوز از فرانسه و ایتالیا عقب‌تر است و با این‌که تعداد تماشاچیان در آلمان غربی همانقدر رو به‌کاهش است که در سایر کشورهای اروپائی (باستثنای هلند) مشاهده میشود ، ارقام فروش فیلم‌ها در آلمان غربی بیش‌از سایرکشورهای «بازارآزاد» کاهش یافته‌است .

شهرت سینمای آلمان از نظر فکرواندیشه و جنبه‌های روشنفکرانه آن نیز به پائین‌ترین سطح ممکن رسیده است . مثلاً برای نمونه از میان ۴۹ فیلمی‌که از اول ژانویه ۱۹۷۲ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۲ به‌تنهائی در آلمان غربی تهیه‌شده، ۲۷ فیلم آثار ساده سکسی و ۱۱ فیلم کمدی‌های خانوادگی (که این یازده فیلم‌را بخاطر دارابودن جنبه‌های ملی و محلی نمی‌توان درخارج نمایش داد) و یازده فیلم دیگر بطورکلی بسیار ضعیف بودند . درمیان این‌فیلم‌ها تنها می‌توان ازدوفیلم قابل‌توجه ذکرکرد : «**شهربیگانه**» از «**رودلف توم**» که باز از نظر تجارتی ناموفق بود ودیگر فیلم «**اشك‌های تلخ پترافون‌گانت**» .

در طول تابستان و پائیز ۱۹۷۳ ، دولت کوشش داشت موقعیت اقتصادی سینمای آلمان غربی را بهبود بخشد ، اما در حال‌حاضر سینمای آلمان قادر نیست با کمپانی‌های آنطرف رودخانه «راین» و فراسوی کوه‌های آلپ برابری کند . اگرکمك‌های مالی‌دولت شامل فیلم‌های باارزش بشود ، وضع سینما مفیدتر و بهتر خواهد شد ، چرا که تحت قوانین‌گذشته ، آثار نیمه‌سکسی نیز شامل‌کمك‌های مالی‌دولت میشد. کمك ومساعدت دولت در امر پخش وتوزیع فیلم نیز یکی از راه‌هائی‌است‌که می‌تواند به‌بهبود سینمای آلمان غربی‌کمك‌کند .

سرنوشت سینمای آلمان بیش‌از کشورهای دیگر به‌نمایش‌فیلم‌های خوب درتلویزیون بستگی دارد . دراین مورد علت ومعلول رابطه نزدیکی با هم دارند . برای نمونه ، تقریباً همه آثار «شابرول» درتلویزیون آلمان نمایش داده شده ، درحالیکه سالهاست حتی‌یك‌فیلم ازاین‌کارگردان فرانسوی به‌نمایش عمومی درنیامده است .

پخش‌کنندگان از قبول این فیلم‌ها سر باز میزنند ، چون این نوع آثار به‌کمك تلویزیون برای همه‌مردم شناخته شده‌است. یك عامل‌دیگر، پشتیبانی‌ازتولید فیلم‌هائی‌است‌که بدون‌تلویزیون هیچگاه ساخته نمی‌شدند .

از طرفی رؤسای شبکه تلویزیونی اصرار دارند فیلم‌هائی‌که با سرمایه «تلویزیون» ساخته میشود ، تنها بعداز یك دوره طولانی ، معمولاً دوسال، ازپخش‌سینمائی نیز می‌توانند برخوردار بشوند . بدین‌ترتیب نمایش یك‌فیلم درتلویزیون، به‌آن لطمه شدیدی میزند .

سینمای چکسلواکی

بمناسبت نمایش فیلم « دوچیز برای زندگی »

در ابتدای دهه ۱۹۶۰ ، یك‌کارگردان اسلواك ، شرایط تهیه فیلم طویل در اسلواك را چنین تشریح‌کرد : «فیلمسازان اسلواك آنقدرکه از فیلم‌هایشان برمی‌آید ، احمق نیستند» .

تنها تغییر کوچکی در این جمله لازم است تا بیان‌کننده وضع امروزی سینمای چکسلواکی باشد : «همه سینماگران چکسلواکی آنقدر که سینمای چکسلواکی به حماقت گرائیده است ، احمق نشده‌اند» .

با آنکه در سال ۱۹۶۸ تعداد زیادی از کارگردانان با استعداد کشور را ترك‌گفتند ، مع‌الوصف هنوز تعدادی از فیلمسازان خلاق در کشور باقی ماندند که قادرند سینمای چك را در سطح هنری مناسبی نگاه دارند . ولی این دلخوشی که همه‌چیز از دست نرفته است ، دیری نپائید . در سال ۱۹۶۹ در استودیوها به روی بسیاری ازاین فیلمسازان بسته شد . تعدادی دیگر هنوز امیدوار بودند که کاری بدست خواهند آورد .

در ماه مه ۱۹۷۳ خطر دیگری این افراد را تهدید کرده است . درطول هفته‌های گذشته سانسور و کنترل سیاسی جدید ، گروهی از کارگردانان را ازکار برکنار کرده ، درحالیکه به گروهی دیگر بشرطی اجازه فعالیت داده که آنها افکارونظرات‌گذشته خودرا بطرزقابل‌قبولی توجیه کنند و در آثار بعدی خویش آمادگی خود را برای پذیرفتن عقاید سیاسی وفرهنگی دولتی اعلام دارند .

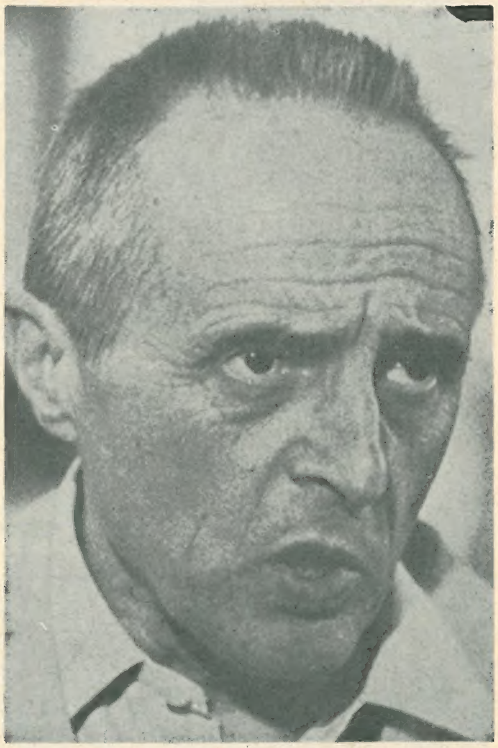
دسته سومی ازفیلمسازان چکسلواکی‌هستند که «مهاجران بدون مهاجرت» نام می‌گیرند . بعلاوه این خطر هست که درآینده ، تمام نسل هنرمندانی‌که « سینمای جدید چکسلواکی » را شکل بخشیدند ، بکنارگذاشته شوند .

محصولات سینمای چك با این‌که از نظر تکنیکی بی‌نقص است اما درحقیقت ، آثاری کارخانه‌ای است که فاقد عناصر حیاتی ، آزادی خلق وپژوهش‌است . درحال‌حاضر ، سینمای چك حتی اصالت و سادگی سینمای‌کشورهای درحال توسعه را هم ندارد .

منتقدین سینمای چك فیلم‌ها را بدو دسته طبقه‌بندی می‌کنند . دسته‌اول : فیلم‌های متعهد ، دسته دوم : فیلم‌های غیرمتعهد . جالب است که دوفیلم برجسته امسال آن‌هائی بودند که بخاطر محتوای اجتماعی درطبقه فیلم‌های متعهد قرار می‌گرفتند و هردو متعلق به فیلمسازان مهم سینمای محکوم شده «موج‌نو» هستند . این دو فیلمساز "Jires" و "Uher" هستند . داستان هردوفیلم درزمان جنگ‌جهانی‌دوم اتفاق‌می‌افتد. فیلم «سلام مرا به چلچله‌ها برسان» اثر "Jires" زندگی واقعی دختر جوانی از نهضت مقاومت ملی را بازگو می‌کند که بوسیله گشتاپو توقیف میشود و بعد از بازجوئی محکوم بمرگ شده بعد از ۹۰ روز زندانی اعدام میشود . این دختر از خود تعدادی نامه و یك دفترچه خاطرات بجا می‌گذارد . ولی کارگردان فیلم این وقایع ساده را بصورت اثری قوی وپرتحرك درآورده است.

در فیلم « اگر طپانچه‌ای داشتم » اثر "Uher" ، وقایعی‌که روزهای‌آخرجنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد ، از دیدگاه یك پسر روستائی نشان داده میشود . امتیاز این فیلم سادگی آن و زیرکی‌خاصیست‌که درترکیب حوادث تاریخی با وقایع عادی درآن بکار رفته است .





چهارده ژوئیه

QUATORZE JUILLET

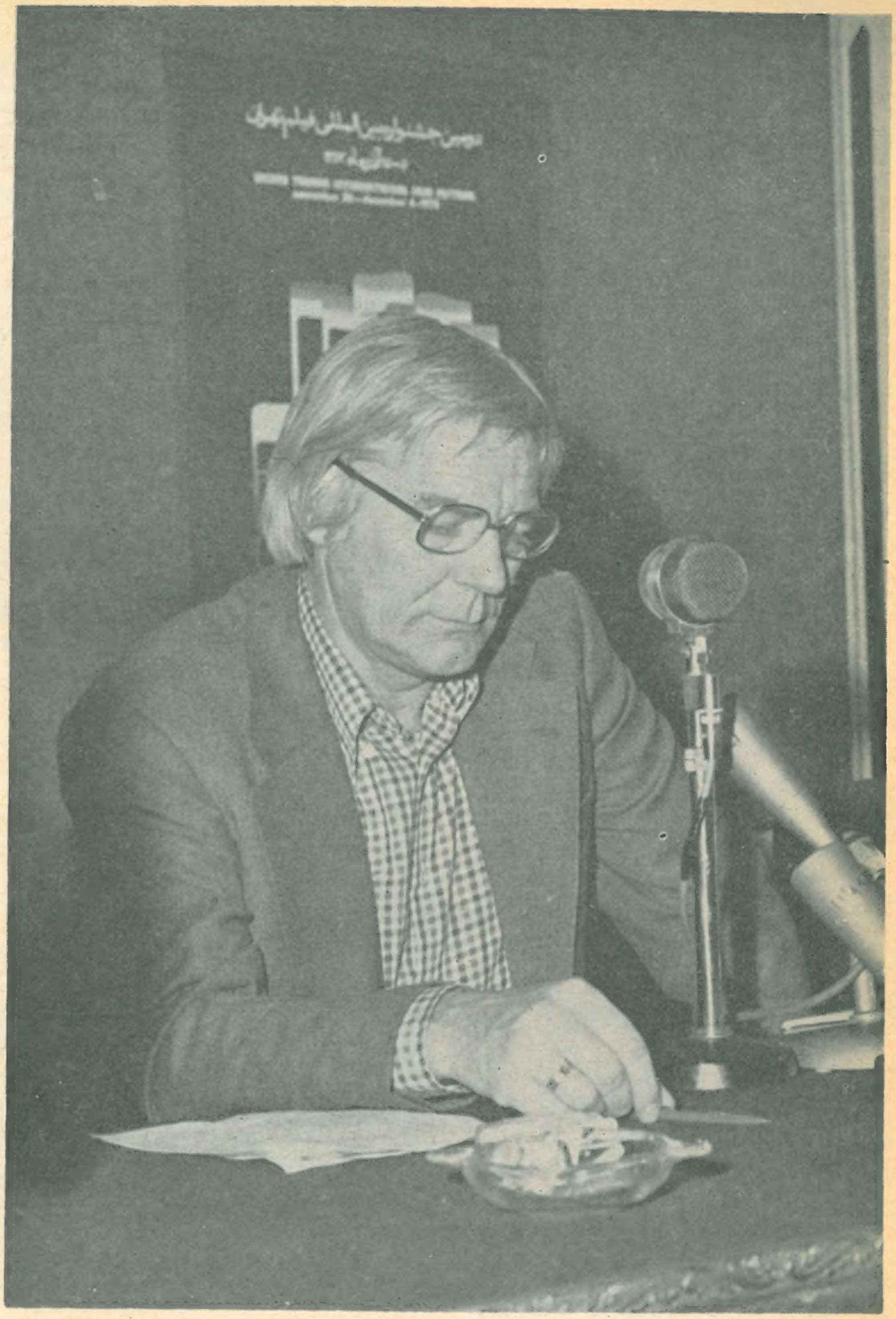
۱۹۳۲ــ محصول : FILMS SONORES TOBIS . دیالوگ، سناریو، کارگردان : رنه‌کلر ــ دستیار کارگردان : آلبر والانتن ــ فیلمبردار : ژرژ پرینال ــ دکور : لازار میرسون ــ موزیك : موریس ژوبر . بازیگران : آنابلا (آنا) ، ژرژ ریگو (ژان)، پولا ایلری (پولا) ، ریمون‌کوردی (راننده تاکسی) ، پل اولیویه (غریبه)، ریمون اموس (شارل)، تومی بوردل (فرنان) ــ زمان نمایش : ۹۸دقیقه .

فیلم «چهارده ژوئیه» مثل «زیر بامهای پاریس» از عشق رنه‌کلر به شهر زادگاهش ملهم شد . شاید این نیز دلیلی باشد که چرا شخصیتها در هردوفیلم، زنده وواقعی‌هستند، نه‌عروسکهای سمبولیك دیگر فیلمهای فرانسوی که او در این دوره ساخته است . «چهارده ژوئیه» ، فیلمی از یك هنرمند به‌حد بلوغ وکمال‌هنری خود رسیده است و همچنین نتیجه مهارت افراد یك تیم میباشد که همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند و همانطوریکه رنه‌کلر گفته است ، برای تمامی افراد این تیم مشکل بود تا با اطمینان بگوید چه‌کسی‌سازنده ومسئول جزئیات وریزه‌کاریهای فیلم است ــ خود رنه‌کلر ، فیلمبردارش «ژرژ پرینال» یا «لازارمیرسون» که نبوغ و تبحر هریك از این‌دو ، اورا عمیقاً تحت تأثیر قرار داده‌بود . بی‌تردید، ثباتی‌که درسبك‌کار رنه‌کلر مشاهده میشود ، تا اندازه‌ای به‌همبستگی با ثبات خود او و نسبت به همکاران متعددش ، مربوط میشود .

«چهارده ژوئیه» ، یك داستان شوگونه از مراسم جشنهای سنتی در شب عید ملی فرانسه است . در خیابانهائی که با فانوس‌ها تزئین شده، جائیکه هر هشتی خانه‌ای ، یك زوج عاشق را پناه میدهد ، شادی وتفریح آن‌چنان با بی‌خیالی توأم است‌که حتی بارش یك رگبار هم نمیتواند رقصی را که زیر سقفی از چترها ادامه می‌یابد، متوقف‌کند . اما حزن وکمی هم تلخی و طعنه دراین فیلم ، همچون تمام داستانهای رنه‌کلر موجود است : جشن‌ها ، همه‌کس را شاد نمیکند وتمام تعطیلات وعیدها ، مثل روزهای معمولی، سهم خودشان از تراژدی را هم دربر دارد ...

«گاوین‌لمبرت» درمجله«سکانس» (۱۹۴۸) باین ترتیب فیلم را توصیف میکند : «چهارده ژوئیه»ازبسیاری‌جهات، شخصی‌ترین وجذابترین فیلم رنه‌کلر است . برخلاف فیلمهای دیگرش ، این‌فیلم شامل تدابیر وابتکارات تجربی نیست : جشنهای مردم کوچه و بازار ، زمینه فیلم را تشکیل میدهد ، اما صحنه رقص عشاق در طی جشن از حالت غنائی شاد و مسحورکننده‌ای برخوردار است، کوتاه وموجز است وبه‌هیچوجه تزئینی نیست . این فیلم ، حوادثی راکه طی‌چند ساعت اتفاق میافتد ، دنبال میکند . یك دختر جوان (آنابلا) با یك راننده تاکسی(ژرژریگو) دعوا میکند وسپس به‌نحوی سعی درجبران آن میکند. راننده‌تاکسی با ورود یك معشوقه قدیمی (پولاایلری)، دچار دردسر میشود . دخترجوان با یك بچه گمشده همراهی میکند ، در آپارتمان فوقانی آنها ، زن سالخورده‌ای زندگی را بدرود میگوید . در داخل وخارج داستان فیلم، سرگرم خلق درام ویژه خودش ، یکی از شکوهمندترین و جالبترین شخصیتهای مخلوق رنه‌کلر ، یعنی مسیو ایماك (پل اولیویه) همیشه مست ، تلوتلو خوران ظاهر وناپدید میشود و با مشکل‌پسندی هرچه تمامتر ، گلهائی برای سوراخ‌کتش دست چین میکند ، به‌گونه‌ای محتاطانه خودنماست و بی‌آزارترین فردی است که تاکنون با یك ششلول پر ، در اطراف پرسه زده است . به‌اتمسفر متغیر میدان‌که پنجره‌های آپارتمان قهرمان فیلم رو به‌آن باز میشود ، تمامی تغییر حالات فیلم از فعالیت و زنده‌دلی بشاش‌آن درصبحگاهان... تا سکوت تنهایش در شبانگاه ، میتواند احساس شود . هیچکس تاکنون فیلم شخصی کاملتری درباره پاریس نساخته است».

«چهارده ژوئیه» ، موفقیت تجاری فوری داشت ، اما به‌طوری‌که ازقرائن برمیآید ازطرف منقدان ، تا اندازه‌ای نادیده گرفته شد ، شاید باین‌خاطرکه فیلم مزبور با مقایسه با «زیربامهای پاریس» پیشرفتی بحساب نیامد .



برگزیده حرفهای

برت هانسترا

کارگردان فیلم «انسان وحیوان»



✦ رفتار انسانی مسأله‌یی است که سالها مورد مطالعه علمی قرارگرفته است . ولی علم جدیدی در این زمینه هست به نام «اتنولوژی» که بر مبنای آن مطالعات تازه‌یی روی افراد انسانی شده است . تئوریسین‌های این علم جدید می‌گویندکه انسان هم مثل وجود کائنات حاصل تحول بوده است . وباآنکه فرهنگ وتمدن نقش مؤثری‌دررفتارانسان‌بازی‌کرده‌ولی‌اتنولوژیست‌ها معتقد هستند که ریشه‌های رفتار انسان شباهت زیادی با رفتار حیوانات دارد . و سیرمطالعه‌ی دررفتارحیوانات می‌تواند به‌ما در یافتن‌انگیزه‌ها وریشه‌های رفتار انسان کمك کند . . . من دراین زمینه به‌کتابهای علمی زیادی برخورده‌ام . ولی کتابی که با توجه عموم روبرو شده بود به نام «میمون برهنه» اثر «کنراد لورنس» مبنای‌اصلی فیلم من است .

اخیراً این کتاب برنده جایزه نوبل هم شده ومن گفتم که به‌عنوان یك فیلمساز واسطه‌یی بشوم بین‌دانشمندان ومردم عادی .

✦ **من دانشمند نیستم . بیشتر اوقات این سوء تفاهم پیش می‌آید که سازنده‌ی فیلمی مثل «انسان وحیوان» خودش هم باید دانشمند باشد. من فقط به‌عنوان یك آدم عادی که می‌خواهد کاری بکند ، دستم را داده‌ام به‌دست یك دانشمند تا فیلمی علمی ساخته شود . اگر آن دانشمند می‌گفت‌که این‌کار و آن‌کار نباید انجام بشود من مجبور بودم قبول‌کنم ، چون از نظر علمی ، نظرات‌لورنس‌را فیلم‌کرده‌ام وفقط برگرداننده‌ی نظرات این دانشمند به‌تصویر هستم .**

✦ در اصل تفاوتی بین انسانها نیست . من اگر درآفریقا زندگی می‌کردم مسلماً قسمت مربوط به‌انسان‌های فیلم «انسان وحیوان» را در آفریقا می‌گرفتم . ولی فقط به‌دلیل اینکه اهل اروپا هستم ، این قسمت انسانی را در اروپا فیلمبرداری‌کردیم .

✦ **فیلم «انسان وحیوان» در حدود یك میلیون مارك خرج برداشته است .**

✦ من این‌فیلم‌را به‌عنوان یك تهیه‌کننده مستقل ساخته‌ام . درهلند به‌این‌صورت به‌نفع آدم است. چون دولت درمورد این نوع فیلم‌ها به‌تهیه کننده‌ها کمك می‌کند . . . بنابراین علت آنکه خودم تهیه‌کننده‌ی این فیلم هستم ، آن نیست‌که ممکن‌بود تهیه‌کننده‌ی دیگری حاضر به سرمایه‌گذاری برای ساختن چنین فیلمی نشود . دولت درحدود سه‌چهارم خرج تهیه این فیلم را تقبل کرده ومن فقط درمورد یك‌چهارم آن که بیشتر ازنظر دراختیارگرفتن وسایل‌سرمایه‌گذاری‌شده، ریسك‌کرده‌ام .

✦ **در هلنـد « وزارت فرهنگ وهنر » و « وزارت آموزش وپرورش و علوم » برای فیلم‌های‌کوتاه بودجه‌یی درنظرگرفته‌اند و به‌تمام کسانی که بخواهند فیلم کوتاه بسازند ـ چه آموزشی و چه غیرازآن ، حتی اگر یك فیلم ضد دولت باشد ، سرمایه می‌دهد . اما درمورد فیلم‌های طویل ۷۵درصد سرمایه‌را این سازمان‌ها تقبل می‌کنند و ۲۵ درصد بقیه را اتحادیه کارگزاران سینما در اختیار فیلمسازان قرار می‌دهد . حال چه این فیلم‌های طویل داستانی باشد یا مستند .**

✦ درابتدا اصلاً تصورش‌راهم‌نمی‌کردیم که کسی از فیلم من استقبال‌کند . ولی این فیلم از ژانویه پارسال تا به‌حال روی پرده سینماهای هلند بوده‌است، ودومین‌فیلم بین‌ده‌فیلم پرفروش به‌حساب می‌آید و بطورنسبی حتی موفق‌تر از «پدرخوانده» است . بنابراین عنترهای فیلم من موفق‌تر از بازیگران فیلم «پدرخوانده» هستند !

خبرها...

تازه واردین

پس از ورود هنرمندان معروف سینمای جهان به تهران، طی دوشب اخیر جمعی دیگر از هنرمندان معروف نظیر کلودین اوژه، مایکل یورك، جك والنتی، ژاك شاریه، فرانچسکو روزی، ماری ژوزه‌نات وارد شده‌اند وطی امشب وفرداشب گریگوری‌پك، استلا استیونس‌و کندیس برگن نیز وارد میشوند.

برنامه‌های فوق‌العاده تالار رودکی

یکشنبه ۱۱ آذر: **پائیز** محصول فرانسه بکارگردانی «ژرارگورن».

دوشنبه ۱۲ آذر: **بیلی دوکلاهه** محصول آمریکا به‌کارگردانی «نورمن جیوسن» ــ در حضور «گریگوری پك».

سه‌شنبه ۱۳ آذر: **تنگسیر** محصول‌ایران ــ به‌کارگردانی امیر نادری.

چهارشنبه ١٤ آذر: **آرزوهای تابستان و رؤیاهای‌زمستان** محصول‌آمریکا ــ به‌کارگردانی گیلبرت‌کیتس.

پنجشنبه ۱۵ آذر: **یك روز سرشار** به کارگردانی ژان‌لویی ترن‌تینیان محصول فرانسه درحضور «ژان‌لوئی ترن‌تینیان».

بلیط‌های برنامه فوق‌العاده تالار رودکی به بهای ۵۰ ریال درگیشه تالار رودکی بفروش میرسد.

سینما

نشریه «سینما ۵۲» برای
دومین جشنواره جهانی فیلم تهران

زیرنظر: **بهرام ری‌پور**
دبیرشورای نویسندگان: **جمال امید**
مدیر امور فنی: **درخشنده زعیمی**
تنظیم مطالب انگلیسی: **راجرکوپر**
طراحی صفحات: **مرتضی ممیز**
چاپخانه وزارت فرهنگ وهنر

فیلم زنبورك در بازارفیلم

فیلم (زنبورك) جدیدترین اثر (فرخ‌غفاری) که براساس یك داستان‌کمدی تاریخی وبصورت رنگی تهیه شده است روزدوشنبه ۱۲ آذرماه ساعت ۱۰½ صبح برای نخستین‌بار درایران درقسمت بازارفیلم دومین جشنواره جهانی فیلم تهران‌نشان داده میشود.

منتقدان سینمائی نیز می‌توانند ازاین برنامه با ارائه کارت خود استفاده کنند.

تکرار نمایش فیلم‌های «حدیث نفس» «کلکسیونر» و «خوشبین‌ها»

بنابه درخواست هیئت‌نمایندگی‌فرانسه نمایش فیلم «حدیث نفس» درساعت ۲۱/۳۰ دقیقه روز سه‌شنبه ۱۳ آذر (٤ دسامبر) در تالار رودکی وهمچنین فیلم کوتاه «کلکسیونر» ازیوگسلاوی وفیلم طویل «خوشبین‌ها» ازانگلستان درساعت ۲۱/۳۰ روزچهارشنبه ١٤ آذر (۵ دسامبر) در تالاررودکی تکرارخواهد شد. برای این سآنس اضافی بلیط بفروش‌نخواهد رفت وفقط نمایندگان مطبوعات ومیهمانان جشنواره حق ورود خواهند داشت.

ضیافت‌ها

بعد ازضیافت وزارت فرهنگ وهنر، شب گذشته نیزشهردارتهران بمناسبت‌جشنواره جهانی فیلم تهران، ضیافتی در هتل اینترکنتیننتال برگزارکرد.

ضیافت شبهای دیگر ازاینقرارست:

هواپیمائی ملی ایران - دوشنبه دوازدهم آذر - هتل ونك.

وزارت اطلاعات - چهارشنبه چهاردهم آذر - هتل هیلتون.

سازمان جشنواره جهانی فیلم تهران - «مراسم اختتام» پانزدهم آذر - درهتل آریا شرایتون.

مصاحبه‌های مطبوعاتی امروز

امروزصبح- هتل‌آریاشرایتون- هنرمندان فیلم «سومین» - آلمان شرقی.

ساعت ۲½ بعدازظهر - تالار رودکی - فرانچسکو روزی‌کارگردان فیلم لاکی لوچیانو.

ساعت ٦ بعدازظهر - تالار رودکی - هنرمندان فیلم «حدیث نفس» از «فرانسه».

«چای تلخ ژنرال ین»

برنامه فردای مرور درآثار «فرانك کاپرا»



«صحنه‌ای ازفیلم چای تلخ ژنرال ین»

بدنبال تغییراتی‌که دربرنامه نمایش آثار «فرانك‌کاپرا» پیش‌آمد، تاکنون فیلمهای آقای دیدز به شهر می‌رود، یك شب اتفاق افتاد، نمی‌توانی باخودت ببری، آقای اسمیت‌به‌واشنگتن میرود، «جان‌دو را ملاقات‌کن» را دیده‌اید وامروز نیز «آرسنیك وتورکهنه» را خواهید دید، برای فردا فیلم «چای تلخ ژنرال ین» از این فیلمساز درنظرگرفته شده است. این فیلم محصول «کلمبیا» ست و ۸۹ دقیقه نمایشش‌به‌طول می‌انجامدوبازیگران‌اصلی‌آن «باربارا استانویك- گوین گوردون» می‌باشند.

نمایش فیلم‌های برگزیده ایرانی

به تقاضای گروهی ازمیهمانان وخبرنگاران برنامه‌های نمایش جنبی فیلم‌های ایرانی برگزیده در**سینما دیاموند** به شرح زیرترتیب‌داده شده‌است:

سه‌شنبه ۱۳ آذر (۹ صبح) - **رگبار** (بهرام بیضائی).

چهارشنبه ١٤ آذر (۹ صبح) - **گاو** (داریوش مهرجوئی).

پنجشنبه ۱۵ آذر (۹ صبح) **باد صبا، باد عاشقان** (آلبرلاموریس).

این‌جلسات نمایش‌فقط مخصوص‌خبرنگاران مطبوعات ومیهمانان است وبلیط برای این فیلم‌ها بفروش نخواهد رفت.

نمایش «بیلی دوکلاهه» با حضور «گریگوری پك» تکرارمیشود

نمایش فیلم «بیلی دوکلاهه» که دوشنبه درتالار رودکی با حضور «گریگوری‌پك» به نمایش درمی‌آید، روزسه‌شنبه صبح نمایشش ساعت ۹ نیز درسینما شهرفرنگ تکرار می‌شود.

بهای بلیط برای استفاده همگان ۵۰ ریال است.



گزارشی ازمصاحبه مطبوعاتی با :

کارلوس دیه گوس

کارگردان‌فیلم «ژوانا زن فرانسوی»

بعدازظهر چهارشنبه این هفته ، روز بعدازنمایش فیلم زیبای « ژوآنا ، زن فرانسوی » درتالار رودکی ، یك جلسه‌ی مصاحبه مطبوعاتی با «کارلوس دیه‌گوس» کارگردان آن تشکیل گردید . دراین جلسه ، «کارلوس کروبر» بازیگر اصلی این فیلم برزیلی – که رل مقابل « ژان مورو » را ایفا می‌کرد – وهمچنین « لوییس البردو استوس دوآلمیدا » رئیس «انستیتوی ملی سینما» دربرزیل نیز شرکت داشتند . قبل ازشروع مصاحبه‌ی اصلی با هنرمندان برزیلی ، چند تن ازخبرنگاران صحبت کوتاهی داشتند با « حمید مصداقی » کارگردان فیلم «آلودگی هوا» که درجلسه حضور داشت . قبل ازاینکه «کارلوس دیه‌گوس» مورد سئوال قرار بگیرد ، رئیس «انستیتوی ملی سینما»ی برزیل توضیحاتی درمورد این سازمان داد وکارگردان وبازیگر فیلم «ژوآنا ، زن فرانسوی» را معرفی‌کرد . . .

* «انستیتوی ملی سینمای‌برزیل» یك سازمان‌دولتی است‌که به منظور اعمال سیاست دولت برای پیشبردکار سینما درسال ۱۹۶۶ تأسیس شده است . . . هدف دیگر این سازمان پیشبرد فرهنگ دربرزیل وتعمیم دادن آن درخارج ازبرزیل است . . . .

* « کارلوس‌دیه‌گوس» که‌یکی‌ازبهترین‌کارگردانان سینمای برزیل است ، درسانتاریتا متولد شده‌که وقایع فیلم ژوآنا زن فرانسوی نیز دراین منطقه اتفاق می‌افتد . دیه‌گوس قبلاً ژورنالیست ، شاعرونویسنده بود . واولین فیلم طویل خودرا درسال ۱۹۶۳ ساخته است . »

* «کارلوس‌کروبر» که به نظر منتقدین یکی‌از بهترین هنرپیشگان تئاتر وسینمای برزیل است ، تابحال جوایز بسیاری به عنوان بهترین آکتور دریافت داشته است . »

به عنوان شروع مصاحبه یکی‌ازخبرنگاران می‌پرسد که چرا «ژان‌مورو» برای ایفای نقش زن فرانسوی انتخاب شده است ، آیا دلیل اصلی محبوبیت اوست به منظور جلب تماشاگربیشتر یا آنکه وجود او برای‌بازی نقش ژوآنا واقعاً لازم بوده . دیه‌گوس پاسخ می‌دهد :

«ژوآنا» اصولاً یك‌کاراکتر فرانسوی است که می‌بینید اسم فیلم هم همین موضوع را ثابت می‌کند و «ژان مورو» بنظر من یکی ازبهترین بازیگران فرانسوی است وبنظر من برای ایفای نقش ژوآنا کاملاً مناسب بود . البته ممکن است‌که وجود «ژان‌مورو» ازنظر تجارت هم مؤثر باشد ولی برای من بیشتر تناسب این زن با آن‌کاراکتر ، مهم بود .

«دیه‌گوس» درپاسخ این سئوال‌که آیا فیلم دراصل مسأله‌ی ضرورت تحول را درزندگی مطرح می‌کند؟ پاسخ می‌دهد :

تردیدی نیست‌که فیلم درباره‌ی تحول است ولی مسأله‌ی مهم بعد ازاین تحول ، مسأله‌ی مرگ است‌که باید دید چه نقشی بازی می‌کند وباعث تحولات می‌شود . ودربرخورد کاراکترها می‌بینیم‌که یکی محکوم است وباید برود .

درپاسخ این سئوال‌که آیا فیلم دراصل یك فیلم سمبولیك است وبه عنوان مثال به تأکید فیلم روی‌آلونك که بچه‌ی حرامزاده‌ای درآن بسرمی‌برد اشاره می‌کند... «دیه‌گوس» می‌گوید :

منطقه‌یی‌که ماجراهای فیلم درآن اتفاق می‌افتد ، منطقه‌ی عجیب وغریبی است و دور ازدسترس . بهمین دلیل اتفاقات آن‌کاملاً تازه و اریژینال است و ربطی به مناطق دیگر ندارد . من هیچگاه فکر سمبولیسم درسر نداشته‌ام . کار من‌کاملاً رئالیستی است واگر می‌بینید که ماجراها ازدید شما غیرعادی است به دلیل آن است که این وقایع دراصل غیرعادی هستند درحالی‌که در محیط اصلی‌کاملاً وجود داشته وقابل پیاده شدن است . درمنطقه‌ی فیلم آدم‌هایی زندگی می‌کنندکـه بیشتر زمین‌دارهای بزرگ هستند واین آدم‌ها سنت‌های متعددی را رعایت می‌کنند . یکی هم اینست‌که بین خودشان ازدواج می‌کنند وغریبه‌ها را درفامیل خود راه نمی‌دهند . این موضوع باعث می‌شودکه نژادها به هم نزدیك باشد ودرنتیجه‌گاهی اوقات موجودات دفرمه‌ای خلق شود . این بچه داخل قفس ، یکی ازآنهاست . . . مادر بزرگ درفیلم می‌گویدکه این بچه حاصل زنای با محارم است . او این حرف را می‌زند ولی ما نمی‌توانیم مطمئن بشویم که بقیه براثر زنای با محارم خلق نشده‌اند . مردم آن منطقه معتقدندکه با این رفتار دچار غضب خدا می‌شوند و با بدست آمدن یك موجود دفرمه ، جزا ومکافات اعمال زشتی راکه مرتکب می‌شوند می‌بینند . بهرحال خود به خود چنین وضعی ایجاد شده . شاید این فکر سمبولیکی که شما اشاره می‌کنید بدون اینکه من تعمدی داشته باشم وهیچ معنی خاصی دربین بوده باشد ، ایجاد شده .

رابطه‌ی خواهر وبرادر را درفیلم چطور توجیه می‌کنید ؟ رابطه‌ای‌که نورمال نیست . . .

دیه‌گوس : این مسأله‌ی زنای با محارم به این‌شکل موجود درفیلم البته نورمال نیست . حتی درهمان منطقه فیلم‌هم کسی‌به‌این رابطه به شکل‌نورمال نگاه نمی‌کند ... ولی یك مسأله هست ، اصولاً سینما توسط سینمای حاکم درتمام نقاط دنیا استعمار شده وچیزی‌که خارج ازخط این سینمای استعمارگر باشد ، باعث حیرت است . وحالا واقعیت لخت وعریانی‌که متعلق به‌آن منطقه است ، یك جنبه‌ی غیرعادی پیداکرده است . من معتقدم‌که سینمای هرکشوری مثلاً برزیل یا حتی ایران ، برای پیشرفت تنها یك راه حل دارد ، آنهم این‌که با سینمای تجاری دربیفتند وازسینما رفع استعمار بشود .

خبرنگار دیگری سئوال می‌کند: برای رفع سینمای استعمارگر چرا متوسل به سنت می‌شوید ؟

پاسخ اینست‌که : صحبت از سنت نبود . زنای با محارم ، سنت نیست . من واقعیت را می‌گیرم وبه‌آن می‌پردازم . حال چه سنت باشد وچه نباشد . همیشه برای من این مسأله وجود داردکه بهتراست دنیای موجود آدم‌ها ازبین برود ودنیای جالبتری جایگزین آن بشود. بهیچوجه من‌گرایشی به سنت ندارم ووضع موجود را لازم نمی‌دانم . این خواهر وبرادرکه با هم رابطه دارند ، عاشق هم هستند وتنهاکسانی هم هستندکه با هم رابطه‌ی گرمی دارند . درست برعکس دیگران . این‌دو آینده را نشان می‌دهند و با گریزشان به طور عریان ، فردای ما را نوید می‌دهند .

آخرین سئوال درمورد تأثیر پازولینی است برکار « دیه‌گوس » درفیلم «ژوآنا زن فرانسوی» .

«دیه‌گوس» می‌گوید : من پازولی‌نی وکار اورا اصلاً دوست ندارم . ولی اگر شما این حرف را می‌زنید ، شاید ازدید خودتان حق داشته باشید ولی اگر چنین مسأله‌یی صحت داشته باشد مسلماً آگاهانه نیست . ومن متوجه نبوده‌ام ، چون‌گفتم‌که به‌کار پازولی‌نی علاقه‌ای ندارم .

حرفهای

کارلودی پالما

کارگردان فیلم «ترزای دزد» درمصاحبه مطبوعاتی



کارلودی پالما (کارگردان وفیلمبردار بهمراه تهیه‌کننده) فیلم ترزای دزد درمصاحبه مطبوعاتی باکامران شیردل

«کارلودی پالما» که قبلاً فیلمبردار آثاری از آنتونیونی ، فلینی و ویسکونتی بوده ، فیلم «ترزای دزد» را به‌عنوان اولین فیلم سینمایی خود ، در زمینه‌ی کارگردانی عرضه کرده است . . . در مصاحبه‌ی مطبوعاتی که به‌مناسبت نمایش‌این‌فیلم ترتیب یافته‌بود ، ابتدا «کارلودی پالما» در پاسخ این سئوال که چرا در شروع و پایان فیلم می‌بینیم که ترزا از میان گل‌ها عبور می‌کندگفت :

«این‌موردکاملاً اتفاقی بوجود آمده است و ربطی به‌هم ندارد . من موقعی که در محل فیلمبرداری بودم این‌گل‌ها را دیدم ، خوشم‌آمد ودرفیلم گنجاندم . ولی حالا این‌گل‌ها به‌عنوان هدیه‌یی است به مادرم چون مادرم سالها گل فروش بود» .

سئوال بعدی اینست که چرا ترزا بعد از مدتها بسربردن در زندان وقتی از زندان خارج می‌شود تغییری نمی‌کند و باز دست به‌سرقت می‌زند . کارلودی پالما پاسخ می‌دهد :

کاملاً قابل قبول است که اجتماعات ترقی می‌کنند ولی آدمهایی مثل ترزا هیچوقت نمی‌توانند دچار تغییر وتحول بشوند . . . یك طبقه‌ی خاص‌اجتماعی راهی برای این‌نوع آدم‌ها برای تغییرکردن باز نمی‌گذارد در نتیجه این نوع‌آدم‌ها ثابت می‌مانند . بهیچوجه براثر گذشت زمان چیزی عوض نمی‌شود . چطور ممکن است در مدت کوتاهی شخصیت آدمی را عوض کرد وچیزی‌را در او تغییر داد ؟

● ولی معمولاً زندان باعث تغییرروحیه آدم‌ها می‌شود . . .

دی‌پالما: من شناخت‌زیادی درباره‌ی سیستم زندان درممالك‌دیگر ندارم. وفقط درموردمملکت خودم می‌توانم حرف بزنم . درمملکت ما سیستم زندان طوری‌است که آنچنان لکه‌یی روی زندانی باقی‌می‌گذاردکه امکان تغییریافتن پیدا نمی‌کند.

● **فکرساختن این‌فیلم چطور پیش‌آمد ؟**

دی پالما : یك‌زن زندانی سالهاپیش برای یك نویسنده ماجرای زندگیش را تعریف‌کرد . شرح زندگی او توسط آن نویسنده به صورت کتاب درآمد و فیلم ما براساس آن کتاب ساخته شده . همچنین بنا به‌درخواست نویسنده موقع ساختن‌فیلم تغییرات زیادی به‌داستان واردنکردیم و فیلم برپایه‌ی همان مسایل‌کتاب ساخته شد .

بطورکلی فیلم تأثیر فاشیسم را در زندگی «ترزا» نشان می‌دهد . البته بعداز فاشیسم ایتالیا تغییرات فاحشی درزندگی روی داده وبطورکلی در زیربنا و روبنای زندگی ما تأثیرات زیادی اززندگی‌فاشیستی‌داریم . اما تأثیری‌برای زندگی فقرا و امکان رستگاری و قدرت بخرج دادن ومتحول‌شدن بدست نیامده .

● **یکی از حاضرین درجلسه می‌پرسد : شما قبلاً آسیستان آنتونیونی بوده‌اید آیا تأثیری هم از او گرفته‌اید ؟**

دی پالما : نمی‌دانم‌که ازآنتونیونی‌تأثیری گرفته‌ام یا نه . ولی وقتی من کارم را در سینما شروع کردم در سنینی بودم که گذشته از تأثیرپذیری باید یاد می‌گرفتم . . .

● **فیلم‌های آنتونیونی تم‌های شخصی دارد . درحالی‌که فیلم شما دارای یك‌تم اجتماعی است شما به این تم علاقه دارید و آنرا ادامه خواهید داد ؟**

دی‌پالما : من نمی‌دانم‌که چطورممکن‌است این دو را ازهم تفکیك‌کرد ، بهرحال فیلم من هرطور که هست ، شما از آن استقبال کردید و این برای من زیاد هم هست .

ولی من با زندگی سطح پائین رشدکرده‌ام و زندگی مردم طبقات پایین را خوب می‌شناسم درنتیجه برای من زندگی این‌طبقه همیشه مطرح خواهد بود . وفکر می‌کنم‌که همیشه هم این‌راه را ادامه بدهم . یعنی شاید این‌کار ادامه پیدا کند. بهرحال من‌این‌نوع فیلم‌را بهتر می‌شناسم .

دی‌پالما درمورد نئورئالیسم می‌گوید :

نئورئالیسم یك مسأله‌ی تاریخی است ــ شك نیست که باید بوجود می‌آمد . چون مبدأ وسرآغاز برای سینمای ایتالیا شد وآن‌را مشهور کرد و به‌راه انداخت . وقدرت محرکه خوبی بود . درحال حاضر هم نئورئالیسم به‌آن‌صورت از بین نرفته . بلکه اوضاع واحوال زندگی‌عوض شده . ودرکار فیلمسازی ایتالیا هم تغییراتی‌وارد شده . رنگ ، تکنیك ، صدابرداری ، بازی‌ها ودکور همه تغییرکرده ولی‌تنها چیزی‌که عوض نشده ، نیت اصلی کارگردانهاست که باعث بقای نئورئالیسم می‌شود .

یکی از خبرنگاران آخرین سئوال این مصاحبه‌ی مطبوعاتی را مطرح می‌کند : «چرا شما به سطح‌کار کارگردانانی‌که شما فیلمبرداری آثارشان را انجام داده‌اید مثل «آنتونیونی» ، «فلینی» و «ویسکونتی» نزدیك نمی‌شوید و درواقع کار شما در سطح وقابل قیاس با کار آنها نیست .

و «دی‌پالما» پاسخ می‌دهد :

این سئوال باعث خوشحالی من است . معنی‌اش اینست که من سینمایی دارم که درآن تأثیری‌ازکارگردانان‌دیگر وجودندارد وسینمای خاص دی‌پالماست !

NEWS

ANNOUNCEMENT

The local monthly press luncheon will take place on Monday, December 3rd, at 1:00. **All visiting journalists are welcome to attend.** The lunch will be at the Rainbow Restaurant, on Forsat Avenue, between Takhte Jamshid Avenue and Sorayya Avenue (near the U.S. Embassy). The price of the lunch is 300 Rials per person. This includes hors d'oeuvres, main course, desert, coffee and drinks (vodka, beer, wine or soft drinks).

PRIVATE PROJECTION REPEAT

At the request of the French delegation to the Festival, the film *Private Projection* will be reshown at 9.30 p.m. on Tue. 4 Dec. in Rudaki Hall. Tickets will not be sold for this performance, but all Festival guests and press representatives are invited to attend.

cinema 59

The bulletin of the Second Tehran International Film Festival

Editors: **B. Reypour** and **Jamal Omid**

Design: **M. Momayez**

English Section: **Roger Cooper**

فیلمهائیکه امروز می بینیم

تالار رودکی (مسابقه)

ساعت: ۱۶

او . . . اتو

(کوتاه – جمهوری فدرال آلمان)

حدیث نفس

(بلند – فرانسه)

ساعت: ۱۹

کلکسیونر

(کوتاه – یوگسلاوی)

خوش‌بین‌ها

(بلند – انگلستان)

سینما شهر فرنگ (تکرار مسابقه)

ساعت: ۱۱ و ۱۸/۳۰

بیشتر

(کوتاه – آمریکا)

لاکی لوچیانو

(بلند – ایتالیا)

ساعت: ۱۵ و ۲۱/۳۰

زمان دریاد

(بلند – ژاپن)

سینما دیاموند (اطلاعات)

ساعت: ۱۱ و ۱۸/۳۰

سرزمین جدید

(بلند – سوئد)

ساعت: ۱۵ و ۲۱/۳۰

سوتو یا اراده

(کوتاه – ونزوئلا)

دوچیز برای زندگی

(بلند – چکوسلواکی)

سینما شهر قصه (مرور بر آثار رنه کلر)

ساعت: ۱۱ – ۱۵ – ۱۸/۳۰ – ۲۱/۳۰

چهارده ژوئیه

سینما ونك (مرور بر آثار فرانك كاپرا)

ساعت: ۱۱ – ۱۵ – ۱۸/۳۰ – ۲۱/۳۰

آرسنیك و تور کهنه

سینما سینه‌موند (چشم‌انداز سینمای افریقا)

ساعت: ۱۱ – ۱۵ – ۱۸/۳۰ – ۲۱/۳۰

فریادها (تونس)



FILM MARKET

SUNDAY, DECEMBER 2ND

10.30 a.m.

Kidnapped (England)	Hall No. 1
Gopi (India)	Hall No. 2
When Love Dies (Lebanon)	Hall No. 3

2.30 p.m.

House on the Rocks (Greece)	Hall No. 1
Trotta (West Germany)	Hall No. 2
Cottage Beyond the River (Iran)	Hall No. 3

4.30 p.m.

City of Tales (Iran)	Hall No. 1
There Was Love (Egypt)	Hall No. 2
The Guide (India)	Hall No. 3

MONDAY, DECEMBER 3RD

10.30 a.m.

Gun on the Move (Iran)	Hall No. 1
The Best Mayor, The King (Spain)	Hall No. 2
You are Beautiful, I am Young (India)	Hall No. 3

2.30 p.m.

Her Private Life (Greece)	Hall No. 1
Goya (Hungary)	Hall No. 2
It Is Not Good That Man Should Be Alone (Spain)	Hall No. 3

4.30 p.m.

Slap the Monster on Page One (Italy)	Hall No. 1
East and West (India)	Hall No. 2
Adamak (Iran)	Hall No. 3

بازار فیلم

یکشنبه ۱۱ آذرماه

ساعت ۱۰½ صبح :

ربوده شده	از (انگلستان)	سالن شماره ۱
گـوپی	از (هنـد)	سالن شماره ۲
وقتی عشق میمیرد	از (لبنان)	سالن شماره ۳

ساعت ۲½ بعدازظهر :

خانهٔ بر روی صخره	از (یونان)	سالن شماره ۱
تروتـا	از (آلمان)	سالن شماره ۲
کلبه‌ای آنسوی رودخانه	از (ایران)	سالن شماره ۳

ساعت ۴½ بعدازظهر :

شهر قصه	از (ایران)	سالن شماره ۱
عشقهای گذشته	از (مصر)	سالن شماره ۲
راهنمـا	از (هنـد)	سالن شماره ۳

فیلم (دوچهره عشق) از یونان مجدداً به‌نمایش درمیآید تاریخ نمایش بعداً اعلام خواهد شد .

دوشنبه ۱۲ آذر

ساعت ۱۰½ صبح :

زنبورك	از (ایران)	سالن شماره ۱
بهترین شهردار	از (اسپانیا)	سالن شماره ۲
تو خوشگلی و من جوان	از (هند)	سالن شماره ۳

ساعت ۲½ بعدازظهر

زندگی خصوصی آن زن	از (یونان)	سالن شماره ۱
گویا	از (مجارستان)	سالن شماره ۲
صلاح نیست آن مرد تنها باشد	از (اسپانیا)	سالن شماره ۳

ساعت ۴½ بعدازظهر

برهیولا درصفحه اول سیلی بزن	از (ایتالیا)	سالن شماره ۱
شرق و غرب	از (هند)	سالن شماره ۲
آدمك	از (ایران)	سالن شماره ۳

WHY CINEMA 52 ?

Some Festival guests have been wondering why we call this bulletin Cinema 52. No, it's not nostalgia for the early post-war period, and we are not a weekly magazine, as some have supposed. It's an abbreviation for 1352, the current year of the Persian calendar, which began on March 21st, 1973. Unlike the lunar Arab year, the Persian year is a solar one, of 365 days, 5 hours, 48 minutes and 46 seconds, or thereabouts. The calendar nevertheless has an Islamic basis, starting from the Prophet Mohammed's Hegira in 622. Why does our New Year start on March 21st? Because that's the first day of spring, a day that seems a lot more logical than January 1st, which has nothing particular to commend it. And who invented, or at least regularized, the Persian calendar? You guessed it — Omar Khayyam.

SPECIAL PROGRAMMES

During the Festival seven films will receive special screenings outside the official Programme. They will be shown at 11 a.m. in **Rudaki Hall,** where tickets will be on sale.

Sun., 2 Dec.
'Lo Païs' (France), directed by Gérard Guérin.

Mon., 3 Dec.
'Billy Two Hats' (U.S.A.), in the presence of Gregory Peck, the film's leading actor.

Tue., 4 Dec.
'Tangsir' (Iran)

Wed., 5 Dec.
'Summer Wishes, Winter Dreams' (U.S.A.), directed by Gilbert Cates

Thu., 6 Dec.
'Une Journée Bien Remplie,' (France), in the presence of Jean-Louis Trintignant, the film's director.

CAPRA ON EMOTION IN FILM:



Johnson and Capra

"A young person asked me once what there was to laugh at these days. I told him: 'Look in the mirror.' The great mark of a civilized people is its ability to laugh at itself. In my films — or anyone else's — humour should be an essential ingredient.

"And then there's the great power of love. Its the greatest power to move human beings there is. Every great novel, classical play, or film, has an essential love story, in general sacrificial.

"Don't be afraid of emotions. The human spirit always needs uplifting."

And apropos of Third World film-making, we wager that few people — perhaps not even the man himself! — know that Capra's films set a standard of approach which has been followed by many a didactic film-maker out to depict the theme of the poor man versus the bureaucracy, such as the Senegalese 'The Money Order,' the Tunisian 'And Tomorrow' or the recent American 'Sounder'.

Johnson on Capra:

"People tend to think of Capra as the man of the happy ending. Yet it's little known that many of his films had two endings. For example, the original ending of 'Meet John Doe' ended in suicide. Capra had to change it to fit the prescriptions of the Hollywood Board of Censors. Those were the Depression years as well, and the public wanted an uplift.

"Another point of Capra's film-making of the Thirties: in the face of heavy censorship — direct from the point of view of the industry and indirect through government pressure —, Frank Capra dared to make statements implying that public figures, such as senators, could be bought. In 'Mr. Smith Goes to Washington' there is a tirade about the common citizen being victimized. He got away with it, though at a time when it took great courage."

Johnson is the film festival impresario who was responsible for bringing Frank Capra to Tehran. Former organizer of the San Francisco Film Festival, Johnson himself has great praise for the Tehran Festival for the breadth of its coverage, bringing in aspects of film-making, particularly from Third World countries, which in the past have not had international viewing possibilities. "The Tehran Festival," he notes, "is especially valuable for its role in opening up things for Asian film-makers." He contrasts this Festival's approach with that of his own, which he feels had a different purpose in a different context.

On his festival experience:

"The first thing I did when I took over the San Francisco Festival was to abolish prize-giving. I felt that under the competition system, we were forced to choose the best that each country had to offer, rather than pointing out the range of merit according to each individual entry.

"The American film festivals — especially New York — have a particular purpose, however, in that they are showcases for critics and distributors. A film can be made or broken by the New York critics.

"I certainly don't approve of that situation. But unfortunately the public has not been educated enough to have confidence in its own judgment. For example, when I put together programmes for the San Francisco Festival, I made every attempt to include as much background material as possible, to put the film in context. Then I told the reader: 'Now you decide how good this film is.'

An interesting side note: Johnson has a story idea to be set in Iran.

TODAY'S PROGRAMMES

SUNDAY, 1 DEC.

Note: In two-film programmes, the short film is listed first.

RUDAKI HALL (Competition)

4 p.m. **'Au-Auto'** (F.G.R.) and **'Private Projection'** (France)

7 p.m. **'Collector'** (India) and **'The Optimists'** (U.K.)

SHAHR-E FARANG CINEMA (Competition Repeat)

11 a.m. and 6:30 p.m. **'More'** (U.S.A.) and **'Lucky Luciano'** (Italy)

3 p.m. and 9:30 p.m. **'Time Within Memory'** (Japan)

DIAMOND CINEMA (Information)

11 a.m. and 6:30 p.m. **'The New Land'** (Sweden)

3 p.m. and 9:30 p.m. **'Soto, or the Will'** (Venezuela), and **'Two Things for Life'** (Czechoslovakia)

SHAHR-E QESSEH CINEMA (René Clair Retrospective)

11 a.m. **'14 Juillet'**
3 p.m.
6:30 p.m.
9:30 p.m.

VANAK CINEMA (Frank Capra Retrospective)

11 a.m. **'Arsenic and Old Lace'**
3 p.m.
6:30 p.m.
9:30 p.m.

CINEMONDE CINEMA (Panorama of African Cinema)

11 a.m. **'Howlings'** (Tunisia)
3 p.m.
6:30 p.m.
9:30 p.m.

NEWS

The following is the text of a letter sent by the Festival Secretary General to the Chairman of the TIFF 2 Jury.

S. E. M. Abdol Maadjid MADJIDI
Président du Jury International du Deuxième Festival de Téhéran
Téhéran, le 30 novembre 1973

Tout en m'excusant auprès du Jury International pour notre inattention au contenu réel du court métrage de l'Allemagne Fédérale intitulé: «1972» due en grande partie à notre méconnaissance de la langue allemande, et du fait que le prologue écrit du film n'était pas sous-titré, je vous prie de considérer ledit film comme non concourant.

En effet, l'article 4 de notre Règlement stipule : *The Selection Committee cannot accept for presentation in the Festival, any film which may offend the national sentiments of a country participating in the event.*

Il va donc sans dire que pour cette même raison, ce film n'est pas qualifié pour être pris en considération par le Jury.

Je vous informe que j'ai également donné l'ordre de le retirer de la projection publique.

Tout en renouvelant mes excuses pour la sélection erronée de ce film et pour les inconvénients causés au Jury par ce fait, je vous prie d'agréer, Excellence, l'assurance de ma haute considération.

Hagir Daryoush
Secrétaire Général

ZANBURAK

(GUN ON THE MOVE)

"GUN ON THE MOVE", the latest film made by Mr. Farrokh Gaffary, Iranian cineaste, will be shown on Monday, December 3rd at 10.30 a.m. in Hall No. 1 in the Film Market. This film has an Iranian Historical Comedy theme and is in colour.

Critics may attend the screening of this film.

A turning-point was reached in the history of Iranian cinema with Dariush Mehrju'i's *Gav* and Kimia'i's *Qeisar,* both completed in 1969. In different ways, both were remarkable films that gave fresh inspiration to Iranian film-makers. About this time, young Iranians began to become interested in their country's cinema, and film-makers quickly took note of this new factor and a number of young directors were given a chance to show their talents.

By common consent, the following films can be added to those already mentioned as the best examples of Iranian film-making: *Agha-ye Halu* ('Mr. Simpleton') (Dariush Mehrju'i), *Escape from the Trap* (Moghaddam), *The Droshky Driver* (Nosrat Karimi), *Towqi* (Ali Hatemi), *Three Knucklebones* (Zakaria Hashemi), *Good-bye, Comrade* (Amir Naderi), *The Morning of the Fourth Day* (Kamran Shirdel), *Bita* (Hagir Daryoush), *Silence in the Presence of Others* (Nasser Taqva'i), *Dash Akol* (Kimia'i), *Ragbar* (Bahram Beyza'i), *Tangna* (Naderi), *Postchi* (Mehrju'i), *Earth* (Kimia'i), *Sadeq the Kurd* (Taqva'i)and *Cheshmeh* (Arby Ovanessian)



Ragbar (B. Beyza'i)

CINEMAS

Although accurate detals about the first cinemas in Iran are not available, it appears that the first cinema in Iran was the Cafe Loghanteh, where imported films were shown from about 1922. They were silent, short films. Tickets cost half a Rial including free ice-creams.

Other early cinemas of the period were the *Aftab* in Lalezar Avenue, where serials were shown irregularly, and that of Ardeshir Khan in Ferdowsi Avenue. He rented a hall and fitted it out as a cinema exclusively for women. Two other cinemas opened in Lalezar Avenue, which was then the capital's fashionable entertainment centre. But the first cinema to have regular public programmes was the *Grand*, now the *Dehghan Theatre,* established by Ali Vakili, also in Lalezar Avenue. In its early days, the *Grand* showed silent pictures and before the programme began a summary of the story would be read out to the audience. Live music was usually played during the films. The *Grand* had a stage and was sometimes used as a theatre.

Once films caught on in Tehran the number of cinemas began to increase, and today there are over 100 cinemas in Tehran, and a further 400 or so in provincial towns. In the capital all cinemas are graded and the price of tickets is fixed for each grade. Tickets to the de luxe *Shahr-e Farang* and *Vanak* cinemas are 50 Rials, while for Grade 3 cinemas the cost of admission is only 10 Rials.

Until recently few cinemas were prepared to show Iranian films, and as the export possibilities for Iranian films were rather limited, film-makers had difficulty in recovering production costs. The situation has recently improved considerably, and there are now three major groups, each with at least 12 cinemas, specializing in Iranian films. In addition there are some 30 cinemas specializing in re-runs of Iranian films.

FILM STUDIOS

As the number of cinemas increased so did the number of film-studios and production companies. At present there are over 20 film production companies as well as a number of independent producers. The main companies are:

Ace Film, Aryana Film, Asr-e Tala'i, Chaplin Film, Farvardin Film, Filmco Films, Filmic, Image Film, Hessam Film, Mash'al Organization, Mehregan Film, Missaghieh Studio, Panorama, Rex Cinema Company, Pars Film, Parsa Film, Payam Organization, R. B. Studio, Sierra Film, Sita Film, Tehran United Cinema Group, and Tina Film.

FILM PRODUCTION

Despite some fluctuations there has been a steady rise in the number of films produced in Iran each year. The statistics for annual film production since 1948 are as follows:

1948	2
1949	1
1950	1
1951	6
1952	11
1953	20
1954	18
1955	15
1956	13
1957	12
1958	13
1959	25
1960	24
1961	27
1962	27
1963	31
1964	38
1965	40
1966	50
1967	51
1968	70
1969	49
1970	59
1971	62
1972	75
1973 (first nine months)	60

cinema 52

2 December, 1973

SECOND TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

